



گاردین- باز یافت دستی زباله در بزرگ ترین محل انباشت زباله ها در آمریکای لاتین، برزیل



تلگراف- پدیده شفق قطبی روی آبشاری در ایسلند

دنیای به دولت تصویر

در محضر بزرگان

بزرگترین عامل تباهی اخلاق انسانی چیست؟

مرحوم علامه محمدتقی جعفری درباره تأثیر اخلاق اسلامی در عرفان می فرمایند:

«آن انسانی که هنوز آن چه را که به خود نمی پسندد، بر دیگران می پسندد و هنوز آن چه را که به خود می پسندد، بر دیگران نمی پسندد، از عرفان الهی هیچ بهره ای نخواهد برد. آن کس که هنوز نمی داند توقع نتیجه بدون کار، بزرگترین عامل تباهی اخلاق انسانی است و هنوز طعم نظم را در کار نچشیده است، از عرفان به جز حالات لذایذ روانی زودگذر، نصیبی نخواهد داشت. تا یک انسان از صفات نیکوی خیرخواهی، خیراندیشی، صبر، شکیبایی و ظرفیت در برابر رویدادهای سخت و هنگام روی آوردن امتیازات برخوردار نباشد، از عرفان واقعی محروم خواهد ماند. چون عرفان اسلامی عبارت است از تخلّی به اخلاق... لذا توقع این مقام عالی بدون تخلّی به اخلاق فاصله امکان پذیر نمی باشد.»

پایگاه اطلاع رسانی حوزه

پند نیکان



داستانک

پیرمرد

پشت میز ریاست لم داده بودم. پیرمرد مدتی می شد منتظر موافقت من با درخواستش بود. چهره آرامش مجبورم کرد خیلی معطلش نکنم. موافقت نامه را با غرور امضا کردم و از آن جایی که حدس می زدم خواندن و نوشتن نداند، با اشاره به جوهر روی میز بهش فهماندم که اثر انگشتش روی نامه لازم است.

با متانت خاصی قلم زیباییاش را از جیش بیرون آورد و با خط خوشی نامش را نوشت و امضا کرد. کمی خودم را جمع و جور کردم و مجذوب خط خوشش بودم که نامش توچهم را جلب کرد. آموزگار کلاس اول دبستانم بود.

بر گرفته از سایت داستانک اثر «سید ایمان برقی»

بریده کتاب

برد با سایه هاست!

دنیا پر از شگفتی ها و رازهاست. فکر می کنیم آدم های نزدیک مان را می شناسیم، اما زمان با خودش چیزهایی می آورد که می فهمیم کمتر از آن چه فکر می کردیم می دانیم؛ یعنی تقریباً هیچ. همیشه بخش بزرگتر حقیقت در سایه قرار دارد. حتی اگر بخش روشن بزرگتر شود باز هم برد با سایه هاست.

بر گرفته از «قلبی به این سپیدی» اثر «خابر مایاس»

شوخی بزرگان



اندکی صبر

جور دیگر بودن

پرواز خواهم داد
کبوتر خیالم را به دور دست ها
جور دیگری به زندگی سلام خواهم داد
سبیدی پر گل
برمی دارم
می روم از دم صبح
تا دل دشت و دمن
تک به تک مردم آن ناحیه را
گلی از مهر و وفا خواهم داد

بهجت شکیب نیا



دور دنیا

پاره شدن حنجره به علت سرفه شدید!



هوای سرد و سرفه های مکرر می تواند باعث آسیب به حنجره شود. در صورت بروز سرفه های شدید، بهتر است به پزشک مراجعه کنید.

تزئینات باور نکردنی کیک!



شمین هوا - «ژویی» آشپز و کیک پز ژاپنی آن چنان مهارتی در تزئین کیک دارد که شاید هیچ کسی در دنیا قادر به رقابت با او نباشد. او که حالا به پادشاه شکر معروف شده است، اسطوره های ژاپنی را به صورت مینیاتوری با فوندانت روی کیک شکل می دهد. کارهای او به قدری ظریف و با جزئیات است که شما می توانید تعداد مژه های مجسمه کیککی او را بشمارید!

اینستاگردی



همه تور را تایید نمی کنند

خانم شهره لرستانی، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون کشورمان در صفحه اینستاگرامش نوشت: «باید سکوت کرد، مشاهده کرد، مراقبه کرد و در سوال شد... وقتی در حیرت و سوال از خود باشی همه چیز پاسخ تو خواهد بود. آدم ها پیچیده اند مثل لایه های پیاز تو در تو و پرده پرده، باید از قید قضاوت شان رها شد... همیشه کسانی هستند که تو را تایید نمی کنند، هر چه کنی و هر چه باشی هیچ وقت همه راضی نخواهند بود. پس ترسیم از این که خوشتن خویش را زندگی کنیم. به یاد می آورم جمله زیبای ریچارد باخ را از کتاب جاناتان مرغ دریایی که می گفت: چرا سخت است پرندگی؟ به آزاد است؟ با این فکر به مشاهده مشغولم و در سوال می نشینم و برای درک پیام های الهی جهان هستی آماده ام.»



عابر بانکی که مدت هاست مورد استفاده قرار نگرفته! :

Like Comment

« سیب زمینی سرخ کرده رو یا درست نکنید، یا دو برابر تعداد اعضای خانواده درست کنید! »

« استقلال اون قدر تیم خوبیه که هر بازی هم گلرش کلین شیت می کنه. هم مهاجمش! »

« دقیقاً همون جا که سایت های خرید اینترنتی میگن «از اعتماد شما سپاس گزاریم»، حس می کنم داره کلاه سرم میره! »

« این روند خشکی رودخونه ها من رو بیشتر برای گروه «سون» ناراحت می کنه. این طفل ها اگر رودخونه نباشه نمی تونن کلیپ بیرون بدن! »

« بعضیا یک چوب بردارن آدم رو با دلیل یا بی دلیل بزبن، آدم راضی تره تا با زیون شون آتیش بزبن! »

« شما یادتون نمیداد، یه زمانی تلویزیون ها کنترل نداشت و دکمه ها رو خود تلویزیون بود. می تونم بگم چهار پنج سال از عمرم نقش کنترل رو داشتیم تو خانواده! »

« احساس می کنم یک بخشی از وجودم یک پنگونه تو قطب که داره تنهایی پیاده روی می کنه! »

« درس خوندن فقط اونجاش که تا میای شروع کنی بخونی، مراقب میگه کتاب نباید می آوردی سر جلسه امتحان! »

Like Comment

مسابقه چی شده؟

آآآآآ نسیم سحری...!



سلام. باز یک عکس از حیات وحش گذاشتیم تا به تکنونی به پیامک هاتون بدین. ببینیم چه می کنید. فراموش نکنید پیامک های بدون اسم، بی نمک و کلیشه ای در مسابقه شرکت داده نمیشن. یادآوری مسابقه: باید برای این عکس یک شرح حال بامزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ امشب (یک شنبه) برای ما به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹۹ یا تلگرام ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید. در ابتدای هر پیامک، نام ستون «چی شده؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو حتما بنویسید. بنابراین پیامک ارسالی باید این جوری باشه: چی شده؟ وقتی... (نام و نام خانوادگی). بانمکترین و خلاقانه ترین جمله های فرستاده شده، روز سه شنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه. همیشه خوش باشید. اما چند مثال:

* وقتی تو مدرسه می رفتیم سر صف سرود بخونیم!

* وقتی کلاس ۸ صبح دانشگاه برگزار میشه!

* وقتی مادرش جلوی قاپیل میگه قریون چشم و ابروت بشم!

از اون لحاظ

برفی که بود

یکی بود، یکی نبود. در زمان های نه چندان دور در سرزمین ما یک چیزی بود به اسم برف. سپید و نرم بود مثل پر قو. بچه ها می توانستند باهاش بازی و تفریح کنند و حتی گلوله کنند بگویند توی سر همدیگر. تصورش را می توانید بکنید؟ برف به حد گلوله شدن می رسید؟ در زمان های قدیم هم مثل این روزها، مدارس ابتدایی، زمستان ها تعطیل می شدند البته نه به دلیل آلودگی هوا، بلکه به علت بارش همین برف زیبا. اصلاً یکی از تفریحات مان این بود پشت پنجره بایستیم و نشستن اش روی زمین را تماشا کنیم که ببینیم به حد تعطیل کردن ما می رسد یا نه؟ یا شب را به این امید می خوابیدیم و فردا صبح امیدوارانه می دویدیم سمت پنجره. اما الان بچه ها می خواهند مدارس تعطیل شود راحت به باباهای شان می گویند برو توی حیاط این ماشین را کمی گاز بده هوا آلودتر شود تعطیل شویم.

یک زمانی یک فصلی داشتیم به نام زمستان. یعنی برخلاف تابستان و بهار که هوا خوب بود، توی این فصل هوا سرد می شد. هوا سرد می شد و برفی که باریده بود توی معابر و خیابان ها یخ می زد و روزهای متوالی همه جا یخ بسته و لغزنده بود. طوری که یکی از تفریحات بعضی مردم این بود بیایند توی خیابان یک گوشه بایستند و رفت و آمد آدم ها زمین خوردن هایشان را تماشا کنند. آدم هایی که پرواز را تجربه می کردند و برای تائیه هایی رسماً روی هوا بودند و بعد با آن جایی که نباید روی زمین فرود می آمدند. آن زمان ها یکی از تفریحات دیگر بچه ها هم ساختن آدم برفی بود. الان چی می سازند؟ الان باید روی تبلت آن را بسازند. آن زمان صنعت پرورش هویج هم برای بینی آدم برفی از جایگاه خاصی برخوردار بود. حتی این آدم برفی آن قدر منزلت داشت که شال گردن و کلاه بهش می پوشاندند. بعضی اوقات آن قدر هوا سرد بود که این آدم برفی ها تا چند هفته با ما زندگی می کردند و سر سفره ما هم می نشستند. اما الان اوضاع خیلی متفاوت است. مثلاً دانه برف بعد از سال ها راه را گم می کند، اشتباهی می ریزد روی شهر و توی مسیری که می خواهد به زمین برسد هزار نفر ازش عکس و فیلم می گیرند، استوری می گذارند: «برف نو برف نو سلام سلام». طوری که بنده خدا بین این همه برف ندیده، خجالت می کشد بنشیند. راستی این ها را برای چی نوشتیم؟ نمی دانم ولی کاش دوباره برف بیاید...

محمد علی محمدپور

باس ماس



ایده و اجرا: صابری و مرادی

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹۹

* چقدر خوب بود در مطلب دیروز زندگی سلام به جای اشخاص هالیوودی، نامی از فروغ فرخ زاد می آمد. شاید فراموش شده که تصادفش مثل این هالیوودی ها از سر مستی نبود، بلکه برای نجات جان بچه ها بود.

* دمتون گرم. با پرونده شنبه کل حیثیت و شهرت پورشه رو له کردین رفت. روح فردیناند تو گور لرزید!

* از پرونده دیروزتون فهمیدیم اون طرفی ها با پورشه تسلیم مرگ شدن، ما یارنو و پیکان!

* تازگی ها چقدر آگهی بی ربط در زندگی سلام و همشهری سلام چاپ می کنید؟!

* حالم رو باید بفهمی، پر سیدن رو که همه بلدن.

مسعود مجنونپور

* می خواستم تولد خواهر شوهر عزیزم (زهره) رو بهش تبریک بگم. تولدت مبارک.

* همسر عزیزم، پرستار مهربان زهره جان، فرار سیدن روز پرستار رو بهت تبریک می گم.

مرتضی بهدانی، بیرجند